



یادداشت

تلنگر خانوادگی

«خانواده محترم اردکانی»



مهراب محمد زاده روزنامه‌نگار

نمایش «خانواده محترم اردکانی» به نویسندگی محمد چرمشیر و کارگردانی امیر بشیری در سالن اشراق مشهد روی صحنه رفت؛ اثری که بیانگر فعال شدن هنرمندان استانی در عرصه تئاتر نوین اجتماعی است. هرچند بشیری پیش از این هم این رویه را داشت، اما بروز جدی او به‌عنوان هنرمندی فعال در عرصه تئاتر خراسان رضوی با «خانواده محترم اردکانی» است.

البته این متن چرمشیر برای اواخر دهه ۷۰ است اما آنطور که کارگردان نمایش می‌گوید متن دستخوش تغییراتی متناسب با زمانه شده است.

از نگاه محتوایی شاید لازم باشد پیش از ورود به اصل ماجرا که بیانگر دغدغه‌های مهم خانوادگی به‌ویژه در امر تربیت فرزندان است، این نقل قول کوتاه را از مرحوم آیت‌ا... آقا مجتبی تهرانی (ره) داشته باشیم که می‌گفت: «انسان در چهار محیط خانوادگی، آموزشی، شغلی و رفاقتی ساخته می‌شود. فضای پنجمی حاکم بر این چهار محیط است. چه بسا که انسان در آن چهار محیط ساخته شود و این فضای پنجم نقش تخریبی بر او داشته باشد و بر عکس هم همین‌طور است. فضای پنجم فضای حاکم بر جامعه است.»

«خانواده محترم اردکانی» دقیقاً مبحثی تربیتی را دنبال می‌کند که می‌توان آن را در تمام شخصیت‌های حاضر، حتی پدر و مادر وارد دانست، چراکه آنچه از تربیت پدران و مادران در فضاهای ذکر شده به وجود آمده است اکنون سازنده و تربیت‌دهنده فرزندان آنهاست که شاید در دوران آنها باعث کنشگری‌های نامتعارف نشده باشد، اما در نسل امروز نوع تربیتی باعث می‌شود وقتی فرزند برای اینکه به خودش اثبات کند برای خانواده‌اش اهمیت دارد، اقدام به خودزنی می‌کند یا اینکه پدر یا اینکه خود سال‌ها بهترین معلم ریاضی برای هزاران شاگردش بوده، اکنون در کنترل و حتی گفت‌وگو با فرزندان‌ش و همسرش عاجز مانده است. در این میان مادر خانواده نیز به دلیل اشتغال آن‌طور که باید نتوانسته است بر فرزندان نظارت کند، البته مسائله‌ای که در نمایش وجود دارد، بیش از حد خودخواه تصویر کردن مادر در تأکید بر کار کردن است، چراکه باید این امکان را در جامعه امروز به لحاظ اقتصادی در نظر گرفت که مرد و زن برای ایجاد رفاهی حداقلی مجبور به کار هستند. هرچند باید این مساله را هم در نظر گرفت که «خانواده محترم اردکانی» تنها تصویری همذات‌پندارانه نسبت به یک هنجار اجتماعی است و راهکارها نیز متناسب با موقعیت‌های مشترک باید در نظر گرفته شود.

سجاد انتظاری، محبوبه سلطانی، مهشید شریفی، امید هاشمیان، مجید بخششان و امیر بشیری بازیگران این نمایش هستند که نتوانسته‌اند بازی‌های یک‌دست و باورپذیری را در فضایی غیرژانلیستی تصویر کنند. بشیری در مقام کارگردان با دو سوپیه کردن سالن در اصل به اصطلاح نقشه‌کنشی پرشی از یک خانه را تصویر می‌کند که به چند میز و صندلی فلزی تغییراتی در آن به وجود می‌آید. البته بشیری سعی دارد حتی از ابتدای نمایش با گریم بازیگران در مقابل تماشاگران مخاطب را با خود همراه کند که البته این بخش چندان خوب از آب درنیاخته است، از طرف دیگر ورود و خروج بازیگران به صحنه با آمدن آنها به میان مردم شکل گرفته که این اتفاق به ارتباط بیشتر مخاطب با اثر کمک کرده؛ چراکه گاهی بازیگران دیالوگ‌های خود را از میان تماشاگران می‌زنند.

در پایان باید گفت نمایش «خانواده محترم اردکانی» نمایشی برای فکر کردن به رفتارها و گفتارهای ما در مواجهه با آدم‌های نزدیک‌مان است؛ فرزندان‌ی که در ذهن‌شان براساس ما الگوپردازی می‌کنند و به مرور چکیده‌ای مثبت یا منفی از درون خودمان می‌شوند و الیته در کنار آن مراقبت از الگوگیری آنها در محیط‌های خارج از خانواده. به هر حال «خانواده محترم اردکانی» نمایشی برای تلنگر در شیوه تربیتی انسان‌ها و بحران‌هایی است که کم یا زیاد اغلب خانواده با آن دست و پنجه نرم می‌کنند.



نمایش «خانواده محترم اردکانی»

نمایشی برای فکر کردن به رفتارها و گفتارهای ما در مواجهه با آدم‌های نزدیک‌مان است؛

فرزندانی که در ذهن‌شان براساس ما الگوپردازی می‌کنند و به مرور چکیده‌ای مثبت یا منفی از درون خودمان می‌شوند و الیته در کنار آن مراقبت از الگوگیری آنها در محیط‌های خارج از خانواده

نمایش «شیو» به نویسندگی علی دل‌پیشه و کارگردانی حسین دیردار مدتی است که در تماشاخانه استاد انتظامی خانه هنرمندان روی صحنه رفته است؛ نمایشی اپیزودیک و اجتماعی که با کمی اغماض می‌توان آن را در زمره آثار چند سال اخیر تئاتر ایران تحت عنوان تئاتر نوین اجتماعی قرار داد. در همین راستا با حسین دیردار، کارگردان و علی دل‌پیشه، نویسنده و بازیگر این اثر به گفت‌وگو نشستیم.

چه شد سراغ این نمایش اپیزودیک در سه زمان و شرایط اجتماعی مختلف رفتید؟

دیردار: نمایشنامه «شیو» براساس موقعیت ذهنی علی دل‌پیشه شکل گرفته است که در طول تمرینات با همفکری یکدیگر تکمیل شد. در حال حاضر خدا را شکر به مرحله اجرا رسیده است. «شیو» یک کمدی تراژدی است. این نمایش ویژگی‌های برجسته‌ای اعم از قصه‌داری و موقعیت‌های متفاوت بسیار داشت که سبب بهتر جلوه دادنش می‌شد بنابراین مرا ترغیب به کارگردانی‌اش کرد. این ویژگی‌ها دست هر کارگردانی را برای مصور کردن متن نمایشی باز می‌گذارد.

مساله و دغدغه‌های اجتماعی از نکات «شیو» است. شیو چند دهه را بررسی می‌کند و نیم‌نگاهی به گذشته دارد.



دل‌پیشه: ما داریم سه برش زمانی را تصویر می‌کنیم از آدم‌هایی که در موقعیت‌های شخصی حضور دارند و از قضا شرایط آنها در بستری بحرانی است. در اپیزود یک ترس از هجوم دشمن، اپیزود دو ترس از دیده شدن دختران در آن مکان ورزشی و البته روی موتور و در اپیزود سه ترس از قضاوت مردم در مورد یک عضو شورای شهر. اما ماجرا این است که ما درنهایت حرف‌مان این است که با تمامی ترس‌ها و بحران‌ها باید به زندگی ادامه داد



حسین دیردار، در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

می‌خواهم دغدغه‌های اجتماعی را نمایش دهم

میان نسلی را نشان دهیم. ما داریم سه برش زمانی را تصویر می‌کنیم از آدم‌هایی که در موقعیت‌های شخصی حضور دارند و از قضا شرایط آنها در بستری بحرانی است. در اپیزود یک ترس از هجوم دشمن، اپیزود دو ترس از دیده شدن دختران در آن مکان ورزشی و البته روی موتور و در اپیزود سه ترس از قضاوت مردم در مورد یک عضو شورای شهر. اما ماجرا این است که ما درنهایت حرف‌مان این است که با تمامی ترس‌ها و بحران‌ها باید به زندگی ادامه داد و از همه مهم‌تر به جای پنهان شدن پشت ماسک‌های مختلف، خودمان باشیم.

به‌عنوان سوال پایانی، آقای دیردار، ادامه روند هنری خود را چطور می‌بینید، چون برخی هنرمندان بودند که در ابتدا با دغدغه‌ای جدی در عرصه تئاتر نوین اجتماعی قدم گذاشته‌اند، اما امروز رویکردشان متفاوت شده و مخاطبان هم به آثارشان اقبال ندارند.

دیردار: همه هنرمندان با توجه به حیات زیستی و اجتماعی‌ای که در آن زندگی می‌کنند، می‌اندیشند و عمل می‌کنند؛ چون هر دو این مسائل متغیر است خواه‌ناخواه هنرمند نیز دغدغه‌های اجتماعی زمانه خود را خواهد گفت. من نیز از این قاعده مستثنی نیستم و تلاش دارم در این راه ثابت قدم باشم.



دیردار: در اپیزود اول ما به سراغ جنگ تحمیلی و شرایط یک خانواده در خرمشهر رفتیم و نگاهی مستقیم به جنگ نداشتیم، بلکه شرایط جنگی و نقاط تاریک هر جنگ را در تأثیر آن بر زندگی انسان‌ها نشان داده‌ایم. در اپیزود دوم به مساله علاقه دختران به ورزش با نگاهی مصداقی رفته‌ایم و در اپیزود سوم به مساله شخصیت‌سازی‌های کاذب به واسطه اتفاقات سیاسی پرداخته‌ایم که به صورت مصداقی به سراغ یک عضو تازه رای آورده شورای شهر رفته‌ایم



پس دغدغه‌های اجتماعی برای شما اهمیت بالایی داشت؟ دیردار: بله، اجرایی کردن متنی که دغدغه اجتماعی و مساله روز جامعه نباشد، برایم ضرورت ندارد. متنی برایم ضرورت اجرا دارد که برای مخاطب سرگرم‌کننده باشد و ترغیب شود دغدغه‌های اجتماعی را بیان کند. سعی می‌کنم به خوبی مفهوم را به تماشاگر برسانم. ضرورتی برای اجرایی کردن متن‌هایی غیر از این ندارم.

دل‌پیشه: قصه «شیو» اگر دچار ممیزی نمی‌شد جنگ در سه دهه پرفرازونشیب را نشان می‌داد. قصه‌ای با آدم‌های مهجور و صاحب‌حق؛ کاراکترهایی که بیشترین آسیب را از ناهنجاری‌های پیرامون دریافت کرده‌اند. به قول ارسطو برای پرداخت به هر چیزی اول باید به تعریف آن چیز رسید. ما به تعریفی از تبعات اجتماعی جنگ رسیده‌ایم، به دهه نقطه جوش، دل‌پخواهی‌های اجتماعی و دهه ۹۰ بالاکلیفی که هنوز درگیر آتیم. بدون شک نمی‌توان از مسائلی که خط قرمزهاست حرف زد ولی می‌توان آن را قلقلک داد. البته در چند خط حقیقتاً نمی‌توان از همه زوایای قصه حرف زد. اما امیدوارم خروجی اثر مورد قبول مخاطبان قرار گیرد.

در شیوه اجرایی‌ای که انتخاب کرده‌اید، نگاهی سینمایی دیده می‌شود، این اتفاق عمدی است؟

دیردار: از سال ۸۷ وارد سینما و تلویزیون شده‌ام. این از خوش اقبالی‌ام بوده که در سال‌های کسب تجربه‌ام با بزرگواران این عرصه همکاری داشته باشم. با این تفاسیر نگاه سینمایی در من غالب است و ایرادی نمی‌بینم نگاه تئاتری و سینمایی با هم تلفیق شوند. همان‌طور که وقتی به تماشای «شیو» نشستید، دیده‌اید از میزانشن‌هایی استفاده کرده‌ایم که به قول بچه‌های سینمایی تغییر زاویه دوربین‌مان زیاد باشد و این امکان را به تماشاگر بدهد که از زاویه‌های بیشتری نمایش را ببیند.

متأسفانه هنگام جابه‌جایی، دکور نمایش آسیب دید و بخشی از آن را از دست داده‌ایم. با این حال سعی کرده‌ایم به میزانشن‌ها پایبند باشیم تا تماشاگر بتواند در حالی که جای ثابتی نداشته نمایش را با تنوع بصری دنبال کند.

دل‌پیشه: البته سعی کرده‌ام در نگارش و تغییرات متن دیدگاه خودم را به حسین دیردار نزدیک کنم و اتفاقات را طوری که تلفیق فضای سینما و تئاتر باشد در بخش‌بندی اپیزودها لحاظ کنم.

در متن نمایش سعی داشته‌اید از سه نسل صحبت کنید. فکر می‌کنید مخاطبان شما با اپیزودها همذات‌پنداری داشته‌اند؟

این اتفاق طی اجراهایی که تاکنون داشته‌ایم در میان غالب تماشاگران رخ داده است. البته ما بحث‌مان تنها سه نسل نبوده است، بلکه نگاه از آغاز جنگ تحمیلی تا امروز است و تغییراتی که دستخوش روابط و رفتارهای اجتماعی همه ما شده است.

اکنون هم درست یا غلط تبدیل به هنجار یا ناهنجاری شده و قصد ما تنها بازگویی این موارد بوده است؛ نه قضاوتی در آن شکل گرفته و نه قصدی در جهت قضاوت کردن از سوی ما وجود دارد. سعی کرده‌ایم مخاطب را به فکر کردن در مورد گذشته‌ای که از سر گذرانده است، دعوت کنیم؛ گذشته‌ای که می‌تواند برای فردی از همان ۳۵ سال پیش آغاز شود و برای فردی دیگر به تناسب سنش از ۱۰ سال پیش آغاز شده باشد.

یعنی شما معتقدید ما باید اصلاحی اجتماعی داشته باشیم یا این اتفاق باید به صورتی ساختاری در سطح جامعه رخ دهد؟

دیردار: تغییرات اجتماعی مستلزم تغییرات بنیادی در ساختار فرهنگی آن جامعه است. وقتی یک ناهنجاری فرهنگی رخ می‌دهد قاعداً تأثیر اجتماعی و نمود بیرونی آن باعث قضاوت همه ما می‌شود. در اپیزود اول ما به سراغ جنگ تحمیلی و شرایط یک خانواده در خرمشهر رفتیم و نگاهی مستقیم به جنگ نداشتیم، بلکه شرایط جنگی و نقاط تاریک هر جنگ را در تأثیر آن بر زندگی انسان‌ها نشان داده‌ایم. در اپیزود دوم به مساله علاقه دختران به ورزش با نگاهی مصداقی رفته‌ایم و در اپیزود سوم به مساله شخصیت‌سازی‌های کاذب به واسطه اتفاقات سیاسی پرداخته‌ایم که به صورت مصداقی به سراغ یک عضو تازه رای آورده شورای شهر رفته‌ایم.

دل‌پیشه: نباید این اشتباه پیش بیاید که ما می‌خواهیم تضاد

آگهی

۴ جاده نور علییك - شهرک دانشگاهی خاتم‌الانبیا- دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه- اداره فارغ‌التحصیلان.

خواهان جعفرمحمدی فرزند آیس دادخواستی به طریقت خواندگان ۱- صفرمقفری راد فرزند ولی‌اله ۲- قاسم احمدی فرزند علی ۳- حسن اسماعیلی وارقاتی فرزند علی اکبر به خواسته الزام به تنظیم سند خودرو تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرستان خرمشهران زنجان نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۱۱ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان زنجان واقع در زنجان -بزرگراه

دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به آدرس ذیل ارسال نماید: ساوه - کیلومتر ۴ جاده نور علییك - شهرک دانشگاهی خاتم‌الانبیا- دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه- اداره فارغ‌التحصیلان.

گواهی موقت اینجانب رضا مصباحی فرزند ابراهیم به ش. ش ۴۱۵ در رشته عمران در مقطع کارشناسی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از بابتدیه تقاضای می‌شود گواهی‌نامه مذکور را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به آدرس ذیل ارسال نماید: ساوه - کیلومتر

سند و شناسنامه خودرو سواری سیستم پراید - تیپ جی‌ال‌ایکس‌ای رنگ نقره‌ای - متالیک - مدل ۱۳۸۹ به شماره انتظامی ایران ۸۴/۸۴-۸۴۹۸۴-۴۴ شماره موتور ۳۳۸۳۵۱۹ شماره شاسی ۵۱۲۱۲۲۸۹۶۲۷۲۸۸ به مالکیت آقای محمد جعفری کروکائی نام پدر علی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

گواهی موقت اینجانب بهادر خاتلو فرزند حسن به ش. ش ۶ در رشته مهندسی متالورژی در مقطع کارشناسی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از بابتدیه تقاضای می‌شود گواهی نامه مذکور را به

کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمانت را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد. مدیر دفتر دادگاه حقوقی شعبه ۱۱ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان زنجان



برگ سبزی خودرو پراید سواری مدل ۸۳ به رنگ سفید شیری - روغنی بشماره موتور ۰۰۶۶۶۲۸۹ و بشماره شاسی ۵۱۲۱۲۲۸۳۰۰۳۵۱ و به شماره پلاک ۳۴-۷۹۷۲ به نام عبدالحسن حسینی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.